پرونده
از تهران تا مکران
جابه‌جایی پایتخت

گزارش
مهسا گربندی

گفت‌وگو
سجاد آذری

تهران را به مکران ببرید پایتخت را نه!

بردن پایتخت به مکران چون سنگی بزرگ علامت نزدن است

استاد مطالعات توسعه اجتماعی در گفت‌وگو با «جوان»:

انتقال را جدی نگیرید!

موضوع جابه‌جایی پایتخت واقعی نیست

دیدن نوک بینی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، چراکه مسئله امروز قبل از پایتخت بودن تهران امکانات بی‌شمار آن است؛ امکاناتی که اگر در تک‌تک شهرهای کشور وجود داشته باشد، دیگر کسی تمایلی به حضور در ترافیک و شلوغی پایتخت ندارد. آن چیزی که تا امروز نتوانستیم درک کنیم، همین مسئله است. پایتخت تنها یک نام است، اما امکانات واقعیت زندگی جامعه‌ای است که مردمانش را ناچار کرده از آسایش زادگاه به مشکلات غربت پناه ببرند. آن هم به یک دلیل مهم اینکه غم نان دارند. در تهران کار هست، حتی اگر کاذب. امکانات است حتی اگر گران. حال آنکه در شهرهای دیگر امکانات در مقایسه با تهران اگر نخواهیم بگوییم، هیچ است بسیار اندک است تا اندازه‌ای که اکثر افراد ناچار به کوچ می‌شوند. با اینکه می‌دانند در تهران هیچ آسایشی انتظارشان را نمی‌کشد، اما چاره‌ای نیست. مکران حتی نامی فریبنده هم نیست، چراکه کمتر کسی از اوضاع نابسامان مرزهای جنوبی بی‌اطلاع است. مرزهایی که هنوز با تلاش فراوان بسیاری از سربازان این مملکت را به کام مرگ می‌کشاند. حال چطور باید انتظار پایتختی بی‌سروصدا را در مکران داشت؟ انتقال پایتخت از تهران به نقطه دیگر، موضوعی است که بارها و بارها از سوی دولت‌های مختلف مطرح می‌شد، اما هر بار بعد از انجام تحقیق و بررسی‌های بسیار این موضوع حتی به واقعیت هم نزدیک نشد. حال دولت چهاردهم قصد دارد که مسیر تحقیق و بررسی برای انتقال پایتخت را از ابتدا طی کند. در همین ابتدای مسیر، بدون اینکه صحبت همه کارشناسان و خبرگان را بشنود و ابعاد این مسئله مهم را مورد بررسی قرار دهد، منطقه مکران را به عنوان پایتخت جدید معرفی کرده که واکنش‌های منفی زیادی را به دنبال داشته است.

بدون شک هزینه انتقال پایتخت و مهیا ساختن امکانات و زیرساخت‌های آن در کنار مهاجرت افراد، هزینه گزافی به دنبال دارد، چه برای مردم و چه برای دولت. عمده کارشناسان بر این باورند اگر بخشی از هزینه‌ای که برای صرف انتقال پایتخت نیاز است، در جهت توزیع عادلانه اشتغال و امکانات صرف شود، بسیاری از مشکلات امروز پایتخت و حتی کشور حل می‌شود، چراکه بسیاری به زادگاهشان برمی‌گردند و حجم جمعیت و شلوغی پایتخت کاسته می‌شود.

■ حرف‌های ضد و نقیض مسئولان

آبان امسال بود که مسعود پزشکیان از آغاز مطالعات طرح انتقال پایتخت خبر داد و معاون اول خود را برای بررسی این طرح مأمور کرد. چندی بعد محمدرضا عارف در جلسه شورای عالی روابط خارجی گفت: «مکران یکی از مناطق مطرح برای انتقال پایتخت است.» همچنین فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت، روز سه‌شنبه هجدهم دی ماه در نشستی خبری اعلام کرد: «پایتخت جدید قطعاً جنوب و منطقه مکران است که این موضوع در حال کار است.» او با دعوت از متخصصان و نخبگان برای ارزیابی این طرح گفت: «دو شورا در این رابطه تشکیل شده است؛ یک شورایی که مشکلات پایتخت را بررسی و شورایی هم درباره اقتصاد دریامحور کار می‌کند. البته به ظرفیت‌هایی در منطقه مکران نیاز هست به همین جهت ما از همین جا اعلام می‌کنیم که از همه دانشگاهیان، نخبگان و خبرگان اعم از نیروهای مهندسی یا جامعه‌شناسی یا اقتصاددانان کمک می‌گیریم و در واقع داریم روی این مسئله کار می‌کنیم تا بتوانیم موضوع را به سمتی ببریم که بهترین اثربخشی را داشته باشد.» چندی بعد جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور در خصوص پیشنهاد پایتخت‌شدن سواحل مکران گفت: «این موضوع به عنوان یک ایده مطرح شده است» بدون شک این اظهارنظرات نسنجیده و کارشناسی نشده از سوی مسئولان، فضای روانی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما متأسفانه کمتر توجهی بدان شده است.

■ برای افکار عمومی ارزش قائل شوید!

در پی اظهارات مسئولان مبنی بر اینکه مکران یکی از جدی‌ترین گزینه‌ها برای انتقال پایتخت است، جست‌وجوی نام این منطقه از سوی کاربران اینترنت به طرز چشمگیری افزایش یافت. این موضوع همچنین با واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز مواجه شد. محمدجواد محمدزاده در صفحه شخصی خود در توئیتر نوشت: «در حالی که معاون اول و سخنگوی رسمی دولت از جدی بودن انتقال پایتخت به مکران می‌گویند، سخنگوی غیررسمی و معاون اجرایی دولت، متوجه عمق مضحک بودن ماجرا شده و آن را تکذیب می‌کنند. عاقبت دولتی که بدون ایده و فهم و هم‌آهنگی بر سر کار می‌آید!»

کاربر دیگری به نام زینب نیز توئیت زد: «معاون اول دولت گفته پایتخت رو انتقال بدیم به مکران، دورترین نقطه از تمام کلانشهرها و مناطق صنعتی و کشاورزی! نزدیک‌ترین نقطه برای تصرف از سوی نیروی خارجی از طریق دریا خیلی عجیبه.»

همچنین میلاد مهرآبادی در صفحه خود نوشت: «در کتاب‌های تاریخ دوران راهنمایی به ما گفتید که پایتخت باید در نقطه‌ای امن و به دور از خطرات امنیتی احتمالی باشد! حالا دیگر خود دانید! لطفاً صرفاً اعلام خبر نکنید اندکی برای افکار عمومی ارزش قائل باشید و توضیح بدهید که چرا؟»

کاربری به نام ستیا نیز توئیت زد: «معاون اجرایی رئیس‌جمهور گفته: «انتقال پایتخت به مکران در حد ایده است!» آیا بهتر نیست کارگزاران دولت به جای طرح ایده‌های غیرمتعارف و غیرعملی و رسانه‌ای کردن آن به فکر طرحی برای کاهش فشار اقتصادی این روزهای زندگی مردم باشند؟ به فکر رویدادهای منطقه‌ای و تأثیرگذاری آن بر کشور باشند؟»

همچنین علی خسروانی در واکنش به این تصمیم نوشت: «یک بار امتحانی پایتخت رو ببرید تا جاجرود، ما ببینیم اینکاره‌اید، بعداً خیز برای مکران بردارید. زیر مجوز واردات چهارتا آهن پاره که مردم با پول خودشون بیارن ماندید!»

کاربری به نام ریحانشونم نیز توئیت زد: «پایتخت بره مکران، هفته‌ای سه بار باید پایتخت رو از محاصره نجات بدیم.»

■ تهران در مشکلاتش غرق می‌شود؟!

عمده کارشناسان مخالف انتقال پایتخت به ویژه به سمت مکران هستند. دکتر علی بیت‌اللهی، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی در این رابطه به «جوان» گفت: «تهران با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. اگر هدف از انتقال پایتخت به مکران حل مشکلات تهران باشد بدون شک با این تصمیم نه تنها مشکلی حل نمی‌شود بلکه شاهد افزایش مشکلات بیشتر خواهیم بود.»

وی گفت: «امروز به تهران (به عنوان پایتخت کشور) توجهات زیادی می‌شود، با این حال کارهای زیادی روی زمین مانده است. حال اگر پایتخت دیگری تعیین و بودجه و اعتبارات کشور را صرف ساختن آن پایتخت خیالی کنیم، تهران با مشکلاتش به حال خود رها می‌شود. بی‌تردید رسیدگی به مکران و ایجاد امکانات کافی در آن خوب است، اما جابه‌جایی پایتخت به این منطقه نه.»

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی تصریح کرد: «این تصور غلطی است که با انتقال پایتخت، تهران از جمعیت خالی می‌شود، چنین فرضیاتی در عمل اتفاق نخواهد افتاد. برای مثال کلانشهرهایی چون شیراز و اصفهان با وجود اینکه پایتخت نیستند، اما جمعیت بالایی دارند. بنابراین ساکنان تهران به دلیل امکانات و رفاهیتی که در این شهر وجود دارد از آن بیرون نخواهند رفت.»

او با بیان اینکه «انتقال پایتخت شامل انتقال دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و زیرساخت‌ها و... نمی‌شود و اینها جای خودشان باقی می‌مانند» اظهار کرد: «بر فرض که پایتخت جابه‌جا شود، در چنین شرایطی همان بافت فرسوده و گسل در تهران باقی می‌ماند و یک روز هم زلزله و فرونشست رخ می‌دهد. حال وقتی تمرکز آقایان مسئول بر پایتخت‌سازی در نقطه دیگری باشد، دیگر چطور پول و فرصتی برای حل مشکلات ساکنان تهران دارند؟ آیا قرار است مردم این کلانشهر در مشکلات حل نشده، غرق شوند؟!»

انتقال پایتخت نیاز به هزینه چندصدمیلیارد دلاری دارد که البته زمان زیادی هم می‌برد. حال با بخش کمی از هزینه انتقال پایتخت می‌توان امکانات و مشاغل را به صورت عادلانه در کشور توزیع و مشکلات را در زمان کمتری حل کرد

■ جاذبه‌هایی که از بین نمی‌رود

بیت‌اللهی به موقعیت جغرافیایی مکران اشاره کرد و گفت: «تهران به عنوان مرکز جغرافیایی و هندسی کشور، نقش مهمی دارد. حال اگر مکران به عنوان پایتخت انتخاب شود، کسانی که بخواهند برای حل مشکلات اداری و کاری خودشان از شهر ماکو (در آذربایجان غربی) به سواحل مکران بیایند، باید دو شبانه روز در راه باشند. شاید برخی بگویند قرار است به صورت ایالتی و با توزیع تمرکز حکومت در استان‌های مختلف کار شود، اما در حال حاضر چنین سیستمی در کشور وجود ندارد و سیستم حاکمیتی ما مرکزگراست.»

وی گفت: «کافی است مسئولان این سؤال را از خود بپرسند که اگر پایتخت را به جای دیگری منتقل کنیم، آیا تهران جاذبه‌های خود را از دست خواهد داد؟ قطعاً نه. بر فرض که ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت تهران به مکران بروند و چند ساختمان مسکونی خالی شود، بدون شک در کمترین زمان ممکن مهاجرت انبوه جمعیت‌های مختلف از نقاط اطراف تهران به داخل این ساختمان‌ها رخ می‌دهد. شاید دیگر اسم تهران، پایتخت نباشد، اما بازار که بازار تهران است، دانشگاه تهران و صنعتی شریف که منتقل نمی‌شود، بیمارستان امام که سر جایش می‌ماند.»

■ راه‌های کم‌هزینه‌تری هم است

بیت‌اللهی معتقد است علت اصلی تمرکز جمعیت در کلانشهرهایی چون تهران، مشهد، اصفهان و شیراز، «اشتغال، کسب درآمد و معیشت روزمره است. همچنین موضوع «آموزش» و «درمان» نیز از دیگر عوامل مهم هستند. او بیان کرد: «اگر به فکر کم کردن مشکلات هستیم باید توزیع عادلانه مشاغل و درآمدزایی در سراسر کشور انجام شود، در این صورت مشکلات تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و دیگر کلانشهرها حل می‌شود.»

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با بیان اینکه «اگر فلسفه انتقال پایتخت حل مشکلات و کاهش جمعیت‌پذیری تهران است راه‌های کم‌هزینه‌تری وجود دارد،» افزود: «انتقال پایتخت نیاز به هزینه چند صد میلیارد دلاری دارد که البته زمان زیادی هم می‌برد. حال با بخش کمی از هزینه انتقال پایتخت می‌توان امکانات و مشاغل را به صورت عادلانه در کشور توزیع و مشکلات را در زمان کمتری حل کرد.»

■ به جای درست کردن ابرو، چشمش را هم کور نکنید

رسیدگی به مکران نیازمند اضافه کردن پسوند یا پیشوند پایتخت به آن نیست. مکران نیازمند امکانات است و شرایطی که بتواند علاوه بر تأمین ساکنان آن دیگران را نیز به آنجا بکشاند. در واقع این امکانات است که افراد را به این شهر و آن شهر می‌کشاند نه واژه پایتخت. اصفهان امروز یکی از شهرهای پرجمعیت کشور است درست مثل مشهد، تبریز، شیراز و خیلی شهرهای دیگر بدون آنکه واژه پایتخت در کنار نام آنها جا خوش کرده باشد. هرچند که امکانات این شهرها هم هنوز به پای تهران نمی‌رسد، اما آنچه باعث شده تا این شهرها در زمره شهرهای پرجمعیت کشور قرار گیرد توجه به افزایش امکانات رفاهی آن است و بس. پس بهتر است به جای درست کردن ابرو چشمش را هم کور نکنیم.

اخیراً دوباره با یک دوره بازگشت بیش از یک دهه‌ای بحث انتقال پایتخت از طرف دولتی‌ها مطرح و منطقه مکران به عنوان گزینه قطعی و بعداً نیمه قطعی این انتقال مطرح شد، در حالی که در ابتدا قطعاً مکران به عنوان محل پایتخت جدید اعلام شده بود، بعداً این محل به عنوان یکی از گزینه‌ها معرفی و تصمیم‌گیری‌ها در این خصوص به مشاهده نتایج کارشناسی‌ها موکول شد، در حالی که هنوز خبری از کارشناسی‌ها و کارشناسات در خصوص این موضوع نیست، در گفت‌وگوی «جوان» با حسین ایمانی جاجرمی، استاد مطالعات توسعه اجتماعی دانشگاه تهران و رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران این مسئله از نظر اجتماعی و تأثیرات آن بر جامعه مورد بررسی قرار گرفته است.

■■■

از نظر جامعه‌شناسی انتقال پایتخت برای جامعه ایرانی چقدر مفید است و محل مکران چقدر قابلیت چنین کاری را دارد؟

من نمی‌دانم اصلاً این یک تصمیم کارشناسی شده یا یک نمایش سیاسی است، آقای پزشکیان در ابتدا می‌گفت من برنامه ندارم و الان هم مشخص نیست که این بحث انتقال پایتخت از کجا بیرون آمده است. وقتی چنین بحثی را مطرح می‌کنند در اینجا سؤال‌هایی هست که اول باید جواب بدهند. ببینید خود سازمان برنامه می‌گوید: ۱۷ سال عمر پروژه‌های ماست حالا چه تضمینی وجود دارد که مسئله‌ای به این بزرگی حتی در همان ۱۷ سال تمام شود. من نمی‌دانم این مسئله انتقال پایتخت به یکباره از کجا بیرون آمده چون رئیس‌جمهور برنامه نداشته است و در برنامه ششم توسعه هم که نبوده، مجلس هم که چیزی تصویب نکرده در این شرایط معلوم نیست این طرح از کجا آمده است! حالا اگر پیش‌فرض را بگیریم که این مسئله قانونی است... اول باید مشخص شود که قانون آن کجاست چون قانونی در این خصوص نداریم.

بحث قانونی از یک طرف، ولی از نظر بحث جامعه‌شناسی برای کشوری مانند کشور ما موضوع انتقال پایتخت چقدر قابل انجام و برای مردم ما چقدر قابل پذیرش است که از فردایی تهران پایتخت نباشد و مثلاً به چابهار برود؟

دو تا مسئله است؛ شما باید در ابتدا بین مرکز اداری کشور و پایتخت کشور تفاوت قائل شوید، الان ما کشورهایی داریم که هم پایتخت و هم مرکز اداری و حتی مرکز اقتصادی دارند. از سوی دیگر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شهری را به شکل مشخص به عنوان پایتخت نداریم، در حالی که در متمم قانون اساسی مشروطه صراحتاً در ماده ۴ ذکر شده بود که تهران پایتخت ایران است. بنابراین دولت می‌تواند هرجایی که بخواهد برود، ولی از نظر دولت ملت یک فرآیند هزینه‌بر و همراه با خشونت است. می‌توان گفت یک فرآیند سخت و دردآور در ایران انجام شده تا تهران پایتخت باشد و اینکه تهران پایتخت شده به آسانی برای ما حاصل نشده است، یعنی برای آن هزینه پرداختیم و با تاریخ معاصر ایران نیز پیوند خورده است. الان شما نمی‌توانی تهران و ایران را از هم جدا کنی و این شهر اکنون حالت نمادین دارد، البته مشکلاتی هم دارد و کسی هم منکر مشکلات آن نیست، ولی پاریس هم همین مشکلات را داشته است. در دهه ۵۰ پاریس هم با همین مسائل دست به گریبانگیر بوده، ولی به جای اینکه پایتخت خود را منتقل کنند، آمدند برنامه‌های تمرکززدایی را انجام دادند و وضعیت مناطق دیگر را بهتر کردند، یعنی خود آدم‌ها رفتند. وقتی که شرایط زندگی و کار در جای دیگر بهتر باشد، مشخص است که افراد به آنجا مهاجرت می‌کنند و سیاست شهرهای جدید آنها موفق بود و توانست جمعیت اضافی را از دوش پاریس بردارد و الان آنجا ۲ میلیون نفر جمعیت دارد و اتفاقاً دارند از شهر پول در می‌آورند، یعنی سالی ۷۰ تا ۸۰ میلیون نفر می‌آیند در و دیوار آنجا را تماشا می‌کنند.

در کل من نمی‌دانم در مورد تهران چطور به یک‌باره چنین چیزی گفته می‌شود و به نظر من این مسئله باید به بحث عمومی گذاشته شود، چون مسئله مهم انتقال پایتخت مشارکت مردم است، اتفاقاً در بحث‌های کارشناسی انتقال پایتخت یک موضوع خیلی مهم این است که باید در خصوص موضوع انتقال پایتخت رایزنی عمومی انجام شود چون پیامد دارد.

چه پیامدی دارد؟

یک عده زیادی بدبخت می‌شوند چون شغل و موقعیت خود را از دست می‌دهند و مجبور به جابه‌جایی ناخواسته می‌شوند که باید تکلیف این افراد مشخص شود. اصلاً در ماده ۸۰ قانون برنامه ششم دولت موظف است برای طرح‌های ملی پیوست اجتماعی تهیه کند و در آنجا بگوید برندگان و بازندگان این طرح‌ها چه کسانی هستند، پیامدهای منفی آن چیست؟ پیامدهای مثبت آن چیست و برای پیامدهای منفی چه برنامه‌ای دارد؛ چگونه می‌خواهد این پیامدها را جبران کند، تسهیل و ترمیم کند، اینها بحث‌های فنی دارد که هیچ کدام دیده نمی‌شود و اینگونه نیست که ما چون خیالاتی داریم، می‌توانیم پایتخت را منتقل کنیم.

از نظر جامعه‌شناسی نقاط مثبتی برای انتقال پایتخت مخصوصاً با این فاصله بین ایران و مکران قابل تصور است؟

اصلاً مشخص است که این مسئله انجام نمی‌شود. جالب است بدانید قبل از انقلاب در همین جایی که تپه‌های عباس‌آباد هست، می‌خواستند مرکز شهر مدرن برای تهران درست کنند، ولی حکومت پهلوی با دلارهای نفتی و بهترین روابط با غربی‌ها نتوانست این کار را انجام دهد، یعنی ما یک مرکز شهر مدرن برای تهران نتوانستیم درست کنیم حالا چطور می‌خواهیم خود پایتخت را منتقل کنیم مگر مسئله ساده‌ای است! من از این حرف‌ها تعجب می‌کنم و باور نمی‌کنم این حرف‌ها واقعی باشد.

اینکه اصلاً دولت بگوید من همه کارهای اداری‌ام را برمی‌دارم و می‌روم یک‌جای دیگر از کشور و تهران هم یک شهر معمولی باشد، چقدر از نظر جامعه‌شناسی برای مردم قابل پذیرش است. مخصوصاً اینکه حدود هزار و خورده‌ای کیلومتر هم قرار است فاصله بین این دو مرکز باشد؟

این را باید به بحث عمومی بگذاریم، جامعه‌شناس نماینده مردم نیست که از طرف آنها صحبت کند. من فقط می‌توانم بگویم که مثلاً در اندونزی، برزیل یا مالزی که انتقال پایتخت داشتند چه اتفاقی افتاده است.

خب چه اتفاقی افتاده است؟

مثلاً در برزیل که پایتخت را به برازیلیا بردند فکر می‌کردند شهر ایده‌آلی خواهد بود و یک دانه فقیر هم نخواهد داشت، ولی از آنجا که ماهیت نظام سیاسی اداری آنها تغییر نکرده است الان دقیقاً یکی از شهرهای پرمسئله‌دار شده است، کلی جمعیت فقیر دارد و جایی هم برای آنها پیش‌بینی نشده است. نکته‌اش این است که بافت اجتماعی که با پایتخت انتقال خواهد یافت چه کسانی هستند. یکی از چیزهایی که من دیدم این است که گفته می‌شود حدود ۵ میلیون نفر باید از تهران بروند چون اینها وابستگان به دولت، سازمان‌های دولتی و در مجموع کارمندها و خانواده‌های آنها هستند. خب جابه‌جایی این ۵ میلیون نفر به معنای یک جابه‌جایی جمعیتی خیلی بزرگ است و بعد خانه‌های اینها چه زمانی ساخته خواهد شد، مدارس اینها چه می‌شود، اینها بچه دارند، بیمار هستند، برخی مسن هستند، تفریحات می‌خواهند، سؤال این است که برای همه اینها فکری شده است و بعد مسئله دیگر این است که شما نماد تهران را می‌خواهید چه کار کنید، بالاخره تهران را همه می‌شناسند و خطش را می‌خوانند و آن را قبول کرده‌اند، ولی این جای جدید به همین راحتی چنین جایگاهی را پیدا نخواهد کرد. باید دید آیا اصلاً ماهیت تاریخی دارد ما می‌توانیم خودمان را با آن هویت‌یابی تاریخی کنیم. نکته مهم این است که شما باید بتوانید با پایتخت خودت را هویت‌یابی تاریخی کنی و باید نمادهایی داشته باشد که این را برساند.

شما در تهران انقلاب مشروطه، ۲۸ مرداد، قیام سال ۱۳۴۲، انقلاب سال ۱۳۵۷، مسئله جنگ و غیره را داشتید، اینها همه برای تهران بار نمادین داشته و تهران پخته شده تا به اینجا رسیده است. اگر مشکل هم دارد به دلیل سوءتدبیر، ناکارآمدی و تمرکزگرایی است، بعد هم فرقی نمی‌کند اگر تجربه تهران شکست خورده است و شما ماهیت خودت را عوض نکنی و آن را جای دیگری ببری آنجا هم همین می‌شود حالا در تهران ۱۰۰ سال طول کشیده تا به این وضعیت اسفبار برسد آنجا در طی ۱۰ سال احتمالاً این اتفاق برایش می‌افتد.

خب در شرایط فعلی پیش‌نیازهای انتقال پایتخت چیست؟

چند سؤال هست که باید جواب داده شود؛ یکی اینکه مجری مطالعات این موضوع کجا بوده است، مرجع تصمیم‌گیری و تصویب آن کجاست یا کجا بوده است، اصلاً جایی تصمیم‌گیری شده، اصلاً شورای عالی معماری و شهرسازی تصمیم‌گیری کرده، مجلس تصویب کرده است، سران قوا تصمیم‌گیری کرده‌اند، شورای اقتصاد تصمیم‌گیری کرده است، محل این مصوبه کجاست. مسئله بعدی این است که مشارکت مردم چگونه است، چون پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد، محل تأمین منابع مالی آن کجاست، مجریان طرح‌ها و پروژه‌های پایتخت چه کسانی هستند و چطور می‌خواهند انتخاب شوند، افق زمانی چند سال است، ارزیابی تأثیرات زیستی و اجتماعی آن کجاست، آینده تهران چگونه می‌شود. شما که نمی‌توانید همین‌طور شهر را ول کنید بروید و بگویید اینجا اوضاع خراب است خب خداحافظ ما رفتیم، بالاخره این چند میلیونی که اینجا می‌مانند تکلیف‌شان چه می‌شود.

اینها مسائلی است که باید پاسخ داده شود و کسانی که چنین ادعاهایی را مطرح می‌کنند باید به این سؤالات پاسخ دهند. اگر جواب داشته باشند، خیلی خوب است، ولی مشخص است که هیچ پاسخی در کار نیست. چون عقبه مطالعاتی و کارشناسی این مسئله را نمی‌بینم به نظر می‌رسد، این مسئله واقعی نیست البته این موضوع هم قبل از انقلاب، هم اوایل انقلاب و همه دهه ۷۰ بارها مطرح شده است، ولی واقعیت این است که به جمع‌بندی مشخصی نرسیده‌اند، چون تهران از نظر سوق‌الجیشی یا مرکز فرماندهی و مدیریت کشور بهترین گزینه برای ایران است، یعنی هرچند مرزهای ما هم این نبوده ولی آغامحمدخان برای همین مسائل اینجا را انتخاب می‌کند و البته جالب است که قبل از آن، کریم‌خان زند نیز اینجا را انتخاب کرده بود، یعنی در آن زمان آنها فهمیده بودند که اگر جایی می‌خواهند که بتوانند به سراسر سرزمین دسترسی داشته باشند و نقطه اتصال و ارتباط باشد همین حدود می‌شود. آنهایی که این بحث را مطرح می‌کنند باید این سؤالات و ابهامات را حل کنند. این مواردی که تا الان گفتیم نگاه خوش‌بینانه بود نگاه بدبینانه هم اینکه در این اوضاع و احوال فعلی مسکن، آلودگی هوا، گرانی این بحث تغییر پایتخت بیشتر یک بحث فرعی است که قرار است حواس‌ها را پرت و کمی فشار را از روی دولت کم کند.

نمی‌توان پایتخت را منتقل کرد

۲۰ دی‌ماه، موسی‌الرضا حاجی بگلو، رئیس شورای عالی استان‌ها در سی و ششمین اجلاس شورای عالی استان‌ها درباره بحث انتقال پایتخت از تهران به مکران گفت: «یکی دو کشور انتقال پایتخت را انجام دادند، اما بعد از ۵۰، ۴۰ سال هنوز گرفتار این جابه‌جایی هستند. ما می‌توانیم پایتخت اقتصادی را تغییر دهیم، اما زیبنده نیست، بخواهیم پایتخت را منتقل کنیم. از صحبت‌های معاون رئیس‌جمهوری تعجب می‌کنم. قطعاً در سواحل مکران می‌توان پایلوت اقتصادی و گردشگری را انجام داد و جامعه شورایی کشور پای کمک به دولت خواهد بود. پیشنهادمان این است که چنین مدلی خوب نیست. اگر دولت برنامه‌ای دارد باید در حوزه مسکن در جزایری مثل ابوموسی کار را شروع کند. نمی‌شود بگوییم ابوموسی متعلق به ایران است، اما کار را راکد نگه داریم. باید سرمایه‌گذاری کنیم، مسکن بسازیم و در این حوزه ارتقا پیدا کنیم.»